

بررسی تاریخیچه ساخت و چگونگی تخریب تکیه دولت در عصر قاجار

دکتر رامین یلفانی^۱، رضا آفاعلی خانی^۱

چکیده

تعزیه و عزاداری برای سید الشهداء در جامعه ایران ارج و قرب فراوانی داشته است. علاقه فراوان شاهان قاجار بالاخص ناصرالدین شاه جهت برگزاری این مراسم سبب گردید تا تعزیه در ایران رشد فراوانی پیدا نماید. رابطه نزدیک شاه با روحانیون طراز اول کشور نیز در این زمینه کمک زیادی کرد. این عوامل موجب گردید تکیه های فراوانی در ایران در دوره قاجار ساخته شود. یکی از این تکیه ها، تکیه دولت یا تکیه همایونی بود که در زمان خود بزرگ ترین تکیه ایران به حساب می آمد. علت و چگونگی ایجاد تکیه مذکور چه بوده است؟ دوران ناصرالدین شاه را باید عصر طلایی تعزیه خوانی مورد حمایت دولت خواند و این اقدام را در جهت تظاهرات و نشان دادن تحکیم مبانی شرعی توسط حکومت وقت باید دانست. در این دوره است که حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ تکیه و حسینیه برای برگزاری عزاداری ساخته شد. این دوران طلایی پس از ناصرالدین شاه افول یافت. با روی کار آمدن رضاشاه و ممنوعیت عزاداری امام حسین (ع) در این زمان تکیه دولت کاملاً متروکه شد و حتی کاربری هایی متضاد با کاربری اصلی خود پیدا کرد. سرانجام در دوره محمدرضا شاه این تکیه تخریب و جای خود را به ساختمان های جدید بانک ملی ایران می دهد. به نظر می رسد که علاقه ناصرالدین شاه به مراسم تعزیه خوانی سبب رونق تعزیه و ساخت تکیه های فراوان در ایران بوده و با مرگ او در سال ۱۳۱۳ ه. ق و

۱. گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری، ایران.

آشفتگی های سیاسی دوران بعد از وی، این رونق به پایان می رسد و کم کم تکیه دولت رو به ویرانی می نهد. در این مقاله تلاش شده است با استفاده از منابع دست اول و اسناد به تاریخچه ساخت و تخریب تکیه دولت اشاره شود.

واژگان کلیدی: قاجاریه، ناصرالدین شاه، تکیه دولت، عزاداری، امام حسین (ع)،

پهلوی

مقدمه

ایران سرزمین فرهنگ های گوناگون، سرزمین همزیستی فرهنگ ها، سرزمین کثرت و وحدت است. ایران به لحاظ گستردگی قلمرو و قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی خاص دچار گستردگی و پراکندگی فرهنگی و در نتیجه برخورد این فرهنگ ها دارای فرهنگی پویا، رو به گسترش و در مسیر تحول بوده است. صرف نظر از تغییراتی که به دلیل ظهور و سقوط حکومت های گوناگون و بروز جنگ های مختلف در فرهنگ مردم ایران به وجود آمد، ایران و ایرانی همواره دارای جایگاه خاصی در عرصه جهانی بوده است. تعدد عناصر فرهنگی در ایران فرصت مناسبی را در اختیار پژوهشگران می گذارد تا در این میدان تحقیق به وسعت ایران زمین به بررسی ابعاد مختلف این عناصر و سیر تحول و تغییرات آن پردازند.

یکی از این عناصر ارزشمند فرهنگی تعزیه و شبیه خوانی است که طی سالیان جایگاه خود را در فرهنگ ایرانیان حفظ کرده است. تعزیه (یا شبیه خوانی)، نوعی نمایش مذهبی و سنتی ایرانی شیعی، عمدتاً درباره شهادت امام علی (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) و مصائب اهل بیت است. اوج تکامل تعزیه در دوره ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴) بود. چرا که به تعزیه علاقه فراوانی داشت.

تکیه دولت، که به دستور ناصرالدین شاه ساخته شد، در ترویج تعزیه بسیار مؤثر بود. تعزیه خوانان آن جا که در حقیقت تعزیه خوان دولتی بودند زیر نظر "مُعین البکا" در برابر شاه و درباریان تعزیه می خواندند. صرف نظر از تعزیه هایی که موضوع و محتوای آن ها به

زنان مربوط بود مثل مجلس بی‌بی‌شهربانو، در دوره قاجار مجالس تعزیه زنانه نیز برپا می‌گردید. که همه تعزیه‌خوانان و تماشاگران، زن بودند. تعزیه زنان، به سبب تنگناهای عرفی و شرعی، گسترش نیافت و به منازل ثروتمندان و شاهزادگان محدود شد.

شکل کلی بنای تکیه دولت از بیرون به صورت منشوری ۸ ضلعی بود که در داخل به یک استوانه کامل با قطر میانی حدود ۶۰ متر تبدیل می‌شد. این بنا با ارتفاعی حدود ۲۴ متر در چهار طبقه (با احتساب سردابها و زیرزمین) با مساحت تقریبی ۲۸۲۴ مترمربع و گنجایش حدود ۲۰ هزار نفر طراحی شده بود. پی بنا سست بود و بر روی خاک دستی قرار گرفته بود و همین امر از ابتدا مشکلاتی برای مقاومت و ایستایی آن پدید آورد تکیه دولت سه ورودی داشت: ورودی اصلی و بزرگ در ضلع شرقی تکیه برای مردان، با دری دو لنگه و سردری جناغی؛ ورودی ضلع غربی برای زنان، از سمت میدان ارگ با سردر جناغی و شش مناره کوچک در دو طرف که با کاشی مُعَقَلی پوشیده شده بود ورودی سوم، راهرو پر پیچ و خم و تاریکی بود که قسمت شاه نشین تکیه را به ضلع جنوبی کاخ گلستان وصل می‌کرد و شاه برای ورود به تکیه از آن استفاده می‌کرد.

تکیه دولت تا پایان دوره قاجار برپا بود، چنانکه جنازه مظفرالدین شاه در مراسم باشکوهی به آنجا حمل شد و تا انتقال آن به عتبات در همانجا بود. مجلس مؤسسانی که در پانزدهم آذر ۱۳۰۴ تشکیل شد و احمدشاه را بر کنار کرد و رضاخان را به ریاست حکومت موقت گمارد، در تکیه دولت بر پا گردید.

تکیه دولت، پس از مشروطه با نفوذ و تاثیر فرهنگ و هنر غرب بر کشور و پیدایش تناثر و نمایش جدید در ایران، ارزش و اهمیت پیشین خود را از دست داد. حتی گاهی مراسمی غیر از اجرای تعزیه نیز در آن برگزار شد، چنانچه در سالهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۴ شمسی، با مرمت برخی از قسمت‌های تکیه، آن را برای برگزاری «نمایشگاه امتعه وطنی» و تشکیل «مجلس موسسان» در نظر گرفتند. تکیه دولت، عظیم ترین نمایشخانه تاریخ ایران،

سالها متروک و نیمه مخروبه بود تا اینکه در ۱۳۲۵ ه.ش برای ساخت شعبه بانک ملی در بازار، آن را خراب کردند و بیشتر عرصه آن زیربنای بانک گردید.

در رابطه با تاریخچه بنای تکیه دولت و تاریخ تخریب آن تا به حال کار جامعی صورت نگرفته بود. یحیی ذکا در کتاب تاریخچه ارگ سلطنتی و کاخ گلستان خود اشاره گذرایی به این بنا دارد و در رابطه با تخریب آن هیچ اشاره ای نمی کند. چند مقاله نیز در مجلات مختلف درباره کاربری های این بنا منتشر شده بودند که بیشتر درباره مراسم های تعزیه که در این تکیه برگزار می شده است بوده و به تاریخ ساخت و تخریب آن اشاره ای ندارد.

در این تحقیق سعی شده است با کمک اسناد و کتب باقی مانده از دوران قاجار ابتدا به بررسی تاریخچه ساخت آن پرداخته و در پایان نیز به روند تخریب این بنای عظیم اشاره شود. به نظر می رسد عدم توجه شاهان پهلوی به مسائل مذهبی و مخروبه شدن بنای تکیه در مرور زمان از عوامل موثر در تخریب این بنا بوده است.

تاریخچه تعزیه در ایران

تعزیه بدون در نظر گرفتن محتوای اعتقادی و دینی آن نوعی بازنمایی حوادث و ماجراهای غم انگیز مشابه در سنت تاریخی ایران باستان است که هنوز در حافظه جامعه ایرانی به ویژه با برجسته سازی های حماسی و احساسی شعر فردوسی زنده هستند. تراژدی سیاوش که در شاهنامه ذکر شده با همه تفاوت های معنایی و محتوایی قابل مقایسه با تعزیه است.

تعزیه ریشه عمیقی در اعتقادات و رویکردهای شیعی ایران با روح و ذهن جامعه اسلامی به خصوص در جامعه شیعی دارد. این مراسم در هر دورانی به دلیل غنی بودن معنایی خود، یک یا چند رویکرد از محتوای خود را نمایش می گذارد. جامعه به مقتضای وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی خود جلوه ای از جلوه های مختلف تعزیه را به نمایش گذاشته و آن ویژگی را در جامعه خود برجسته می نماید (بشیر، ۱۳۸۹: ۱۹).

حماسه سرایی و نقالی از هنرهایی است که از دوران باستان در ایران سابقه داشته و حماسه های بسیاری از آن تاکنون برجای مانده و نه تنها در ایران بلکه در بین سایر اقوام نیز به صورت های گوناگون رایج بوده است. (همان: ۶۴).

در دوره اشکانی، سورنا سردار ایران که در دربار اشک سیزدهم زندگی می کرد به جنگ کراسوس سردار رومی رفته و سر او را به ارمغان به بارگاه اشک فرستاد و برای آن که مژده پیروزی خود را به گوش همگان برساند شخصی را با لباس و آرایش جنگی رومیان آراسته و بر اسب نشاند و سپاهی به تمسخر برایش آماده کرده و چون او را صدا می زدند مانند زنان با ناز و غمزه خود را تکان می داد و با صدای ظریف و زنانه پاسخ می داد. این برنامه سال ها در روز واقعه به صورتی اجرا می شد که هم تجلیلی باشد از سورنا و هم تحقیری نسبت به یک سردار دشمن (همایونی، ۱۳۶۸: ۱۸).

در دوره آل بویه با توجه به شیعه مذهب بودن حاکمان این سلسله، نوعی از نمایش تعزیه نیز وجود داشته است. در دوران حکومت معزالدوله مردم بغداد بازارها را تعطیل کرده و برای امام حسین عزاداری و نوحه خوانی می کردند (فقیهی، ۱۳۸۹: ۳۱). در این دوران تعزیه و عزاداری بیشتر جنبه احساسی، عاطفی و اظهار مصیبت و نوعی پیوند روحی با اصل حادثه کربلا بود. به عبارت دیگر بیشتر این عزاداری ها تداعی حق از دست رفته ائمه بود و از آن جا که تاکید هم بر مظلومیت خاندان پیامبر (ص) داشت اهل سنت نیز در آن شرکت داشتند (همان).

مراسم عزاداری در ایران عصر صفوی دلایل خاص سیاسی داشت. حمایت صفویه از مقاتل خوانی و روضه خوانی در حقیقت تلاش سیاسی، مذهبی در برابر بنیاد فضائل خوانی خلفا در اهل سنت بود. لذا دولت تشریفات و تجملات بسیاری را برای مجالس عزاداری لحاظ کرد (همایونی: ۵۷).

تعزیه در دوره قاجار

اوج مراسم تعزیه خوانی در این دوران است. در این دوره است که تعزیه، مفهوم نمایشی خود را پیدا می کند و به عنوان یک هنر ایرانی در سطح جهانی معروف شد. اصولاً توجه پادشاهان قاجار و مردم به نمایش تعزیه موجب رونق مجالس تعزیه در این دوره گردید و رفته رفته هم از نظر محتوا و هم از نظر نحوه اجرا غنی تر و جذاب تر شد و در نتیجه تکامل تدریجی، به صورت نمایشی آئینی و ملی در آمد.

تعزیه خوانی در آغاز سلطنت قاجار به صورت یک نمایش آئین مذهبی جلوه ای برجسته داشته و روند تحول و تکامل خود را می پیمود. فتح علی شاه که پادشاهی مذهبی بود به تعزیه و تعزیه خوانی علاقه نشان می داد و در رواج این سنت مذهبی در میان مردم نقش مهم و موثری داشت. در دوره سلطنت محمد شاه بزرگ ترین مشوق و بانی تعزیه خوانی، حاج میرزا آقاسی صدراعظم است که تکیه بزرگی در کنار منزل خود بنا می نماید. شاهزادگان نیز در بنا کردن تکایا و نمایش تعزیه با هم در رقابت بودند. در این دوران متون ویژه تعزیه برای اولین بار تدوین و چاپ شد (بشیر: ۸۷).

دوران ناصرالدین شاه را می توان عصر طلایی تعزیه خوانی دولتی به شمار آورد. ترتیب دادن هیئت های بزرگ سینه زنی، آرایش های نظامی و شبه نظامی و نمایش های تاتری در تکیه دولت که به دستور وی در تهران ساخته شده بود همگی از آن جمله هستند. علاقه ناصرالدین شاه به تعزیه به حدی بود که فووریه پزشک مخصوص وی در کتابش می نویسد: «امسال [= ۱۳۰۸ ه.ق] چون شاه در ایام محرم در سفر بود مراسم سالانه تعزیه را در دهه آخر صفر اجرا کردند» (فووریه، ۱۳۲۶: ۱۰۷). در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ مکان شامل تکیه، حسینیه و میدان برای برگزاری تعزیه در تهران دایر بود. (همایونی: ۱۹).

اعلان هایی مخصوص تکیه دولت در حال حاضر در دست است که نشان می دهد برنامه ریزی های انجام شده در تکیه دولت در ایام اجرای برنامه های شبیه خوانی و تعزیه بسیار دقیق و منظم بوده است و تعزیه خوان های مهم و نام آوری در این برنامه ها

مشارکت داشتند؛ این مساله آنقدر دارای اهمیت بوده که در این اعلان ها نام و لقب اشخاص به طور کامل در کنار نقش آنها درج می گردید. همین طور از این اعلان ها می توان متوجه شد که اصطلاحات ویژه ای برای هر شبیه به کار برده می شد مانند «علیا حضرت زینب» یا «علیا حضرت خاتون».

دقت در اسامی این افراد و توجه به نقش آنان در صحنه مصیبت این مساله را روشن می سازد که سهم ولایات مختلف ایران در پروراندن شبیه خوانان چیره دست زیاد بوده است. به طور مثال برزو بیگ کزازی، ملا ابوالقاسم کنی و شعبان علی تفرشی بوده اند. (انصاری، ۱۳۷۳: ۸ و ۱۰)

درباره ارزش تکیه دولت و مورد توجه بودن آن حتی در نظر اروپاییان می توان به عریضه مشیرالدوله به حضور ناصرالدین شاه و دستخط وی درباره بازدید خارجیان از تکیه دولت اشاره کرد. در این دستخط مشیرالدوله از ناصرالدین شاه درخواست می کند که به روس ها اجازه بازدید از تکیه دولت و مراسم تعزیه داده شود. ناصرالدین شاه نیز با درخواست آنها در ساعات شب موافقت می نماید:

«قربان خاکپای فلک فرسای مبارک اقدس همایونیت شوم. پارسال در ایام عاشورا من غیر رسم به سفارت روس اجازه تماشای تکیه مبارک که مرحمت فرموده بودند. امسال که اینها تازه آمده اند، ضمنا همین استدعا را از خاکپای مرحمت اقتضای اقدس همایونی روحنا فداه دارند. چنانچه اراده علیه مبارک که علاقه گیرد به جناب عضد الملک امر و مقرر فرمایند یک طاقنمایی را معین کنند. شب یاروز هر وقت که صلاح شد به آنها اطلاع شود بیایند تکیه مبارک را تماشا کنند.»

ناصرالدین شاه در حاشیه این عریضه چنین می نویسد: «مشیرالدوله همین دستخط را به عضدالملک بدهید. یک طاقنما پارسال هم داده بودند ولی شب بود روز نشد. امسال هم شب قرار بدهد. زنبوری کشیده حاضر کنند بیایند تماشا کنند ولی روز نباشد شب باشد بی زنبوری هم نباشد.» (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۶/۱۹۰۲).

اشتیاق به تعزیه خوانی و حمایت دولت از آن به تدریج بعد از ناصرالدین شاه کاهش می یابد. مجالس ماه محرم، محل اجتماع دسته های سیاسی و نهضت های اصلاح طلب شد که از آن برای تبلیغ فعالیت های خود استفاده می کردند و این سبب افول تعزیه در ایران گردید (بشیر: ۸۸).

در دوران سلطنت رضاشاه به خصوص دوره دوم سلطنت وی (۱۳۲۰ - ۱۳۱۳ ش) سوگواری های ماه محرم محدود شد و ممنوعیت های متعددی به وجود آمد و به تدریج برگزاری رسمی مجالس تعزیه متوقف شد. دلیل اصلی این افول و سقوط را می توان ممنوع شدن تظاهرات مذهبی و سلب حمایت حکومت از آن دانست. از طرف دیگر دولت برای جلوگیری از تحریک اهل سنت و از بین رفتن دوستی بین ایران و ترکیه به شدت با مساله تعزیه خوانی مخالفت می کند. از عوامل دیگر افول تعزیه در ایران را می توان رویکرد اروپا رفته ها و محصلان ایرانی مقیم اروپا به این مساله دانست. آنها تعزیه را نوعی هنر پست و متعلق به اقشار فرودست جامعه می دانستند که ریشه در بی سوادگی و خرافات دارد.

تاریخچه ساخت تکیه دولت

تکیه یا حسینیه مکانی است که برای مراسم سوگواری دسته جمعی شیعیان به کار می رود. ساختمان تکیه ها در طول تاریخ برگزار مراسم تعزیه، براساس مکان، زمان، آب و هوا و موقعیت اجتماعی صاحب تکیه متفاوت بودند. در تعزیه های حکومتی دوره قاجاریه هنگام تعزیه، تزئینات تکیه بسیار شکوهمند است. در این گونه مواقع برای آرایش تکیه از قالی ها و پارچه های رنگارنگ و گل های مصنوعی و چلچراغ استفاده می شد. دیوارها را با نقاشی مزین می کردند. تکیه های معروف در تاریخ به مکان های مهم برگزاری مراسم تعزیه تبدیل شده بودند. این تکیه ها در عصر قاجار به عنوان نمادی از ارادت خاندان قاجار به امام حسین (ع) به شمار می رفتند. معروف ترین و مجلل ترین تعزیه خوان های قرن سیزدهم هجری تکیه دولت بود که به تشویق و پشتیبانی ناصرالدین

این بنا در ضلع جنوب شرقی باغ گلستان و در جنوب غربی شمس العماره قرار داشت که قبلاً در محل آن، انبار دولتی ارگ شهر مستقر بود. در مورد موقعیت دقیق تکیه دولت، تفاوت‌هایی جزئی در اسناد برجای مانده موجود است. با وجود این موقعیت این بنا در جنوب غربی کاخ گلستان، کنار شمس العماره و روبه روی مسجد امام خمینی [شاه سابق] را همه تایید کرده اند، اما در خصوص قطعه زمین مورد استفاده برای احداث این بنا، پژوهشگران اظهارنظرهای متفاوتی کرده اند. برخی معتقدند که فقط منزل مسکونی امیر کبیر بعد از مرگش تخریب شده و به این منظور اختصاص یافته است (انصاری: ۹). و برخی دیگر نیز نوشته اند که منزل امیر کبیر همراه با قسمتی از زندانخانه دولتی و سیاهچال که گرمابه مخروبه ای بود و انبارهای قدیمی، محل احداث تکیه دولت بوده است (ذکا، ۱۳۴۹: ۱۲۲).

در مورد تاریخ ساخت و نحوه ساخت این بنا نیز بین مورخین اختلاف وجود دارد. اشخاصی مانند سیموئل بنجامین (بنجامین، ۱۳۶۹: ۲۸۶). (سفیر آمریکا در زمان ناصرالدین شاه) و کارلا سرنا (سرنا، ۱۳۶۲: ۱۶۲). (جهانگرد) معتقدند که این بنا بعد از سفر اروپا ناصرالدین شاه به اروپا و دیدن آمفی تاتر بزرگ «وونا» فرانسه به تقلید از آن ساخته شده است. ولی با توجه به این که این ساختمان قبل از سال ۱۲۹۰ ه.ق (سال سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا) ساخته شده می‌توان گفت که این نظریه درست نبوده و معماری این بنا از بناهای کهن ایران و میدان‌ها و کاروانسراهای قدیمی اقتباس شده است.

ساختمان عظیم تکیه دولت در سال ۱۲۸۴ ه.ق هم زمان با بنای شمس العماره به وسیله دوست علی خان معیرالممالک ساخته شد. این بنا که در ضلع شرقی کاخ گلستان و در مجاورت عمارت بادگیر قرار گرفته بود، بنای سه طبقه گردی بود که محوطه وسیعی به قطر تقریبی ۶۰ متر و ارتفاع ۲۴ متر و مساحتی در حدود ۸۳۴ متر را در بر می‌گرفت (ذکا: ۱۲۶).

«دیگر از بناهای بسیار معروف عالی تکیه دولت است که مدور و چهار مرتبه ساخته شده است و همه از آجر است و هشت نیم دایره از چوب های کلفت و آهن برای سقف آن ساخته اند که در صنعت نجاری آن بسیار مهارت به کار رفته چرا که طاق زدن در محوطه به این وسعت خیلی کار عجیب غریبی است. در ایام محرم پارچه از کرباس بر روی آن طاق های چوبی می کشند که از باران و آفتاب محفوظ باشد و در اطراف این تکیه هم بعضی بناهای عالی ساخته اند و این بنا و تکیه در میان شهر مثل یک کوه عظیمی است از پنج فرسنگی تهران پیدا است.» (ایران، نمره ۳۱۸، ۹ ربیع الثانی ۱۲۹۴ ه.ق، ۴).

از آن جا که معمار بنا می خواسته تعداد زیادی از عزاداران را در خود جای دهد ساختمان را تا آن جا که می توانسته وسیع و گسترده ساخته است و پس از پایان عملیات ساختمانی تکیه، تازه به فکر این افتاد که برای سقف آن کاری انجام دهد. «روی چنین بنای عظیمی گنبد یا سقف درست کردن، کار بسیار خطیری بود، به خصوص در ایران که آهن و روی و شیشه یافت نشد. بعد از تحمل مشقت بالاخره موفق شدند سر تیر چوبی بسیار بزرگ، که سر آنها را با نوارهای آهنی محکم به هم وصل کرده بودند، از بالای ساختمان گذرانده و طاق چوبی زمختی در آن بالا درست کنند... یکی از وزیران ناصرالدین شاه به این فکر افتاد که بالای آن را با چادر پارچه ای که روی میله های آهنی کشیده شد، بپوشانند. هربار که تعزیه برپا شد، چادر را می کشند و بعد از پایان مراسم آن را بر می دارند.» (کارلا سرنا: ۱۶۲ و ۱۶۳).

«در سال گذشته مهندسين و معمارين از طاق آن اطمینان درستی نداشتند و به همین جهت ستون در وسط در زیر طاق آن زده بودند امسال چندی قبل از وصول ماه محرم مخبرالدوله از دربار به مستحکم کردن آن طاق و بعضی کارهای دیگر آن تکیه مامور گردید. مشارالیه از کمال کفایت آن طاق را استحکام تمام داده... ستون را نیز از زیر طاق برداشتند.» (ایران، نمره ۲۴۵، دوم محرم سال ۱۲۹۲ ه.ق، ۱).

«چون تکیه دولت را ندیده بودم و صبح زود بود کسی نبود از در سمت عمارت

[= کاخ گلستان] وارد تکیه شدم. تماشای غریب کردم. امسال مجدالدوله اختراعات نموده

و به سقف یعنی چوب بست تکیه چندین طناب کشیده و پنج شش ذرع فاصله به هم یک چتر گشوده، معلق آویخته و فاصله میان چترها را زری و مخمل و از قبیل پارچه ها مشابه زیر جامه زنانه که به روی بند می گذارند خشک بشود آن پارچه ها را آویخته، اسباب خنده من شد. از قراری که شنیدم خیلی هم مطبوع و پسند خاطر مبارک شده است.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۵۹۱).

در وسط سقف چهل چراغی می آویختند که با قندیلها و لاله‌ها در شب‌های تعزیه داری متجاوز از پنج هزار شمع در آنها روشن بود و به آن بنا و مراسمی که در آن برگزار می شد جلوه و جلال خاصی می بخشید. در وسط این محوطه سکوی گردی بود به شعاع تقریبی ۹ متر و ارتفاع ۹۰ سانتی متر و برای رفتن روی آن دوپلکان در اطراف آن ساخته بودند که هر کدام دارای سه پله بود (همشهری، شماره ۳۶۳۹، ۲۷ بهمن ۱۳۸۳، ۱۷).

در یک سمت تکیه، ایوان وسیعی وجود داشت که رواق آن با نقش‌های کاشی الوان و آجر زینت یافته بود. این ایوان وسیع جایگاه مخصوص شاه بود. در مقابل این ایوان در انتهای صحن تکیه، منبری از سنگ مرمر با چهار پله روی سکوی مرتفعی قرار داشت که قبل از شروع تعزیه چند واعظ بر روی آن وعظ می کردند و مردم را برای مشاهده وقایع تعزیه آماده می ساختند.

«در قسمت جنوبی باغ، پشت درختان، سقف چادری تکیه دولت نمایان است. تکیه دولت بنای سیرک ماندی است که هر ساله در ماه محرم به خرج دولت در آن جا نمایش‌های مذهبی برگزار شد.» (گروه، ۱۳۶۹: ۲۱۲).

هریک از طاق نماهای تکیه به شاهزاده یا امیر و وزیری تعلق داشت که با چراغ و آیینه، گلدان و قالیچه تزئین می کردند و چهل چراغها و قندیلها از سقف آن آویخته می شد؛ عکس صاحب طاق نما یا یکی از اجدادش را بالای آن قرار می دادند. حکام قبل از شروع ماه محرم پیشکاران خود را از مرکز حکمرانی برای بستن طاق نماها به تهران می فرستادند. (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۶۴).

«تکیه دولت چندین در دارد و ما از در قصر گلستان به آن جا رفتیم و ما را مستقیماً یعنی بدون آن که داخل تکیه شویم به طاق نماهای مخصوص بردند. اعلیحضرت زیبایی داخل تکیه را به رخ من می کشید. این بنا شبیه سیرک است و سه طبقه دارد و دیوارهای آن با کاشی مقرنس کاری شده. در طبقه تحتانی در وسط تکیه سکویی است مدور یک متر از سطح زمین بالاتر که روی آن سه تخت خواب آهنی و یک میز و چند صندلی و نیمکت و مقداری گاه نهاده اند و دورادور سکو موازی سطح زمین راهی اسب روست و در حاشیه تکیه قسمت بلندی است که جمع کثیری زن و بچه در آن جا برای تماشا گرد آمده اند و پنج ردیف پله را چراغ و شمعدان و آویز چیده اند و ردیف پنجم تا نزدیک طاق نماها بالا می رود. طرف دست چپ ما نزدیک دیوار منبری از مرمر سفید گذاشته اند که به علت بلندی بر تمام صحنه مشرف است.» (فووریه: ۱۰۵ و ۱۰۶).

در اطراف صحن تکیه، طاق نماهایی به عرض ۷/۵ متر ساخته بودند که ستون‌ها و دیوارهای خارجی آن کاشی کاری بود. روی این طاق نماها اتاق هایی در دو طبقه وجود داشت که پنجره های آن را به صورت ارسی درست کرده بودند. با وجود این که هیچ گونه احتمالی برای قرینه سازی در طرح اتاق ها و رواق ها به کار برده نشده بود، اما از عظمت و جلال بنا اصلاً کاسته نمی شد؛ بلکه یک نوع تنوع مطلوب و زیبایی در طرح کلی آن به وجود آورده بود که شخص از دیدنش لذت می برد.

«با کمال تعجب ساختمان استوانه‌ای شکل مجللی را در مقابل خود دیدم که به وسعت و بزرگی آمفی تاتر «ورونا» بود و با آجر و سنگ به سبک بسیار زیبایی ساخته شده بود... پله ها را به سختی بالا رفته و به گالری دایره ای شکل طبقه اول تکیه رسیدم، در اینجا از چند پله دیگر هم بالا رفتم و پرده گلدوزی شده را کنار زدند و من وارد غرفه مخصوص ظهیرالدوله شدم... دیوارهای این غرفه را با آجرهای رنگارنگ و زیبا تزئین کرده بودند و کف غرفه نیز فرش های بسیار نفیسی انداخته بودند... چهارچوب عظیم و بزرگی از الوارهای قطور و آهن سقف تکیه را فرا گرفته بود و روی این چهارچوب چادر بسیار

بزرگی کشیده بودند که داخل تکیه را از آفتاب و باران محافظت می کرد.» (سیموئل بنجامین: ۲۸۸-۲۸۶).

تکیه دولت در تاریخ ایران شاهد دو واقعه مهم تاریخی بوده است. اولی آن مربوط به آخرین سال سلطنت ناصرالدین شاه یعنی سال ۱۳۱۳ ه.ق است که برای بررسی وضعیت عیار سکه‌هایی که حاج امین الضرب، در تهران ضرب می کرد و در آن تقلب نموده بود مجلسی تشکیل گردید و به بررسی تقلب او در عیار سکه‌ها پرداخته شد. «ضراب خانه سال‌ها دست حاجی محمد حسین امین الضرب بود و در اداره امین السلطان، چندی به ولی خان تنکابنی نصرالسلطنه واگذار شد. «گفتند در عیار کم و کسر شده است. در تکیه دولت مجلس کنند. یهودی‌ها جمع شدند، جمعی از اعیان حاضر بودند. پدرم هم به امر ناصرالدین شاه حضور داشت، صنیع الدوله [لقب دیگر محمد حسن خان اعتمادالسلطنه] و نگارنده هم بودیم، قدری دورتر از جمعیت نشسته بودیم مراقب عملیات.» (هدایت، ۱۳۶۳: ۸۶). این مجلس به دلیل آن که امین السلطان از امین الضرب حمایت می کرد به نتیجه‌ای نرسید و با مرگ ناصرالدین شاه در حدود یک ماه بعد عملاً این مجلس تعطیل گردید. اما دومین مجلس مربوط به سال آخر سلطنت احمدشاه است که مجلس موسسان جهت تغییر سلطنت در آن تشکیل گردید. هدایت می نویسد: «۱۵ آذر مجلس موسسان فراهم آمد در تکیه دولت جمع شدند و وظیفه خود را انجام دادند و آن الغای مواد چهارگانه متمم قانون اساسی بود و استقرار چهار ماده جدید به نام پهلوی. میرزا صادق خان به ریاست انتخاب شد.» (همان: ۳۶۹).

ارنست اورسل در سفرنامه خود به این تکیه اشاره ای دارد: «داخل تکیه به یک سیرک بزرگ شباهت دارد. در مرکز آن سکویی وسیع ساخته اند که محل اجرای نمایش است.. منبری از مرمر در وسط گذاشته اند و در فواصل دو پرده روحانی بالای آن می رود و درباره شهادت حضرت علی(ع) و اولاد و پیروانش مطالبی ایراد می کند. در تکیه سه

ردیف لژ وجود دارد. لژهای عمومی، لژهای مخصوص زنان اندرون و لژ مخصوص شاه و ملتزمان رکاب.» (اورسل، ۱۳۸۲: ۲۶۲).

دیگر نه از آن چهل چراغ‌ها، قندیل‌ها، آئینه‌ها و گلدان‌ها خبری است و نه رفت و آمد شبیه خوان‌ها که هرازگاهی به ضرب عصای معین البکا وارد گود می‌شدند. امروز تکیه دولت در خاموشی فرو رفته است و چند ساختمان جدید دادگستری بر محوطه آن همه چیز را به کام خود فرو برده؛ وقتی که این ساختمان عظیم ساخته شد، تهرانی‌ها را به سوی خود کشاند. تکیه عباس آباد که در زمان فتح علی شاه ساخته شده بود جای مناسبی برای عزاداری باشکوه پایتخت نشینان نبود. تکیه دولت با ظرفیتی بالغ بر بیست هزار نفر می‌توانست محل اجتماع مناسبی باشد، اما خیلی زود عمر آن به سر رسید. رفته رفته بنا فرو ریخت. در دوره مظفرالدین شاه یکی از طبقات آن خراب شد. معیرالممالک در مورد خرابی‌های آن می‌نویسد: «مکان مزبور تا اواسط دوره مظفری یک طبقه بلندتر بود و طاقی از چوب داشت. چون طبقه چهارم از چند محل شکست آورده و بیم آن می‌رفت که ناگهان بر سر خلق فرو ریزد، مظفرالدین شاه مسیو بتن نام مهندس فرانسوی را که از دیرباز در تهران می‌زیست، به فرنگستان فرستاد و او سقف آهنی تکیه دولت را با خود آورد و طبقه شکسته را برچیده، طاق جدید را به جای آن استوار ساخت.» (معیرالممالک: ۶۴).

«تکیه دولتی در ده روز تعزیه خوانی، بین ترکهای سرپوش آن را با چادر کرباسی می‌پوشانیدند... در زمان مظفرالدین شاه چون فشار پوشش چوبی خرابی در طبقه بالایی ایجاد کرده بود برای حفظ بقای بنا از یک طبقه آن صرف نظر و آن را خراب کردند.» (مستوفی، ۱۳۶۰: ۱/ ۲۹۳).

میرزا یحیی دولت‌آبادی درباره وضعیت این تکیه در دوره پهلوی اول می‌نویسد: «بعد از کشته شدن ناصرالدین شاه دیگر تکیه دولت اعتبار و تجمل‌های اولی را به خود ندید اگر در زمان سلطنت مظفرالدین شاه و محمد علی شاه گاهی تعزیه در آنجا برپا می‌شده است حلال و عظمت پیش را نداشته. بعد از مشروطیت و در انقلابات سیاسی این

موسسه بی بودجه مانده به کلی متروک و در شرف خرابی و ویرانی بود در این وقت مرمت شد و پوش آن که در انبارها داشت می پوسید در می آید و اصلاح شد و طاق تکیه را می پوشاند.» (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۴/۳۰۱ و ۳۰۲).

آخرین کلنگ ویرانی تکیه دولت در دوره نخست وزیری احمد قوام در سال ۱۳۲۵ ه.ش زده شد و او با واگذاری زمین و ساختمان های تکیه به بانک ملی موافقت نمود. در این سال بانک ملی از وزارت دارایی تقاضا کرده بود که محل تکیه دولت جهت ایجاد ساختمان های مورد نیاز این بانک به آنها فروخته شود و وزارت دارایی نیز با این درخواست روی موافقت نشان داد.. (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۳۱۰/۱۰۵۹، ۱، ضمیمه شماره ۱).

اما در اجرای این کار مشکلی وجود داشت. طبق قوانین محاسبات عمومی، کلیه معاملات دولتی باید با مناقصه و مزایده انجام می شد. (همان سند) لذا وزارت دارایی با توجه به حساسیت موضوع و نزدیکی این بنا به کاخ گلستان از هیات دولت تقاضا می نماید که در این مورد خاص مزایده ای برگزار نشده و تکیه دولت به صورت مستقیم به بانک ملی فروخته شود. (همان، ۲). محمد رضاشاه به شرط آن که وجوه حاصل از فروش تکیه دولت اختصاص به تعمیر کاخ های سلطنتی از جمله گلستان و صاحبقرانیه برسد با فروش این ساختمان موافقت می نماید (همان، ۳).

این طرح با توجه به این که مجلس پانزدهم هنوز افتتاح نشده بود در تاریخ ۱۳۲۵/۹/۳ در جلسه هیات وزیران به تصویب می رسد و به وزارت دارایی اجازه داده شود که بدون برگزاری مزایده تکیه دولت را به بانک ملی بفروشند. (سازمان اسناد ملی ایران- سند شماره ۳۴۰/۱۸۷۰۰، ۱، ضمیمه شماره ۲).

پس از افتتاح مجلس پانزدهم در سال ۱۳۲۶ ه.ش ماده واحده این معامله از طرف دولت به مجلس برده شد و مجلس اجازه فروش تکیه دولت را بدون برگزاری مزایده

رسمی به وزارت دارایی و هیات دولت صادر می کند. (سازمان اسناد ملی ایران - سند شماره ۲۷۷۷/۲۳۰، ضمیمه شماره ۳)

سرانجام تکیه دولت به بانک ملی فروخته شد و وجه آن به حساب خزانه داری کل واریز گردید. سند شماره ۳۸۸۷/۴۴ مورخ ۱۳۲۸/۲/۳ نشان دهنده این معامله است و طبق آن وزیر دارایی دستور داده است که سند زمین تکیه دولت به نام بانک ملی زده شود. (ضمیمه شماره ۴)

از آن بنای عظیم متاسفانه هیچ ساختمانی در حال حاضر باقی نمانده است. تنها وسایلی که از تکیه دولت باقی مانده، منبر زیبای آن، مقداری پارچه های مخصوص پوشاندن سقف تکیه و تختی معروف به تخت یزیدی است که بنا به قولی در موقع اجرای مراسم تعزیه یزید بر روی آن مراسم را اجرا می کرده است. این تخت و وسایل همگی اکنون در کاخ موزه گلستان نگهداری شد. بعدها ساختمان تاتر شهر تهران با تاسی از بنای تکیه دولت در خیابان انقلاب ساخته شد. ولی هرگز نتوانست جای خالی تکیه دولت در تهران را پر کند.

نتیجه گیری

برگزاری مراسم تعزیه در ایران سابقه ای طولانی دارد. ارادت خاص ایرانیان شیعه به امام حسین (ع) و علاقه فراوان به پرشکوه برگزار نمودن مراسم عزای این امام همام سبب می شد تا ایرانیان به دنبال برگزاری تعزیه های گوناگون در کشور باشند. با توجه به استقبال مردم از نمایش تعزیه، شاهان قاجار به فکر تاسیس تکایا و حسینیه های گوناگون در سطح شهرها بیافتند. ناصرالدین شاه نیز با توجه به این مساله دستور داد تا تماشاخانه ای در تهران ساخته شود که این تماشاخانه به نام تکیه دولت مشهور شد.

علاقه فراوان ناصرالدین شاه به تعزیه و تعزیه خوانی باعث شد این مراسم همه ساله با شکوه فراوان در تکیه دولت برگزار شود. این علاقه به حدی بود که با وجود مخالفت هایی که در زمینه حضور خارجیان در این برنامه ها وجود داشت ناصرالدین شاه از سفرا

و افراد اروپایی مقیم تهران دعوت به عمل آورد تا در این مراسم حضور یابند و از نزدیک این مراسم را تماشا نمایند.

پس از قتل ناصرالدین شاه، تعزیه و تعزیه خوانی رو به افول می‌نهد. از عوامل این افول می‌توان به آشفته‌گی‌های سیاسی کشور در دوران مشروطه اشاره نمود که سبب شده بود تا مردم دیگر برای دیدن این مراسم شوق و ذوقی نداشته باشند. این افول و بی‌توجهی به حفظ بنای تکیه دولت، سبب شد تا سقف بنا به دلیل سنگینی زیاد دچار مشکل گردد. از این رو مظفرالدین شاه دستور داد برای ترمیم و ساخت مجدد سقف بنا اقدام شود.

با روی کار آمدن سلسله پهلوی، تکیه دولت دیگر کارآیی اصلی خود را از دست بدهد و به صورت مکانی برای برگزاری جلسات و نمایشگاه‌ها تبدیل شود. دو برنامه مهم در این زمان در تکیه دولت برگزار می‌گردد که عبارتند از ۱- برگزاری مجلس موسسان و انقراض سلسله قاجار ۲- برگزاری نمایشگاه البسه وطنی. مخالفت‌های رضاشاه با روحانیت و ممنوعیت برگزاری مراسم عزاداری برای امام حسین (ع) نیز در افول تعزیه و متروک بودن تکیه دولت نقش مهمی داشت.

سرانجام بنای تکیه دولت که به صورت مخروبه در آمده بود و وضع نابسامانی پیدا نموده بود (از آنجا که تکیه دولت در نزدیکی کاخ سلطنتی گلستان قرار داشت وضع خراب آن برای شاه که مهمانان خارجی به بازدید از کاخ می‌آمدند نامناسب بود) سبب گردید زمین و ساختمان تکیه دولت در سال ۱۳۲۵ ه.ش به صورت کامل به بانک ملی فروخته شود تا ساختمان بانک ملی ایران شعبه بازار در آن تاسیس گردد.

بعدها ساختمان تاتر شهر تهران با تاسی از معماری تکیه دولت در خیابان انقلاب ساخته شد با این تفاوت که آن تکیه ۲۰ هزار نفر را در خود جای می‌داد..

ضمایم :

ضمیمه شماره ۱

آرم شیر و خورشید

وزارت دارایی

جناب اشرف آقای نخست وزیر

موضوع - فروش تکیه دولت به بانک ملی ایران

بانک ملی ایران در چندی قبل تقاضا نموده محل تکیه دولت برای ایجاد و ساختمان انبارهای تجاری به منظور سپردن کالا و داد و ستد عمومی ببانک مزبور فروخته شده.... و به طوری که استحضار دارند تکیه دولت که در مجاورت کاخ گلستان واقع است امروزه بصورت یکی از اماکن خراب و غیر قابل استفاده در آمده و شکل نازیبایی برای شهر ایجاد نموده و آبرومند در آید که هم منظور فوق عملی گردیده و هم بواسطه ساختمانی که در آن خواهد شد بزبایی شهر افزوده گردد از این لحاظ نسبت بفروش این محل ببانک ملی ایران طبق مقررات قوانین هفتم آبانماه ۱۳۰۹ و سوم آذر ۱۳۱۱ که اجازه فروش اراضی و ابنیه دولتی واقع در شهرها را داده است وزارت دارایی موافق می باشد.

«سامان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۰۵۹/۱۰۳۱»

ضمیمه شماره ۲

آرم شیر و خورشید

وزارت دارایی

طرح تصویب نامه

هیئت وزیران در جلسه خود بنا بر پیشنهاد وزارت دارایی تصویب نمودند وزارت دارایی مجاز است مطابق قوانین مصوب هفتم آبان ماه ۱۳۰۹ و سوم آذر ۱۳۱۱ محل تکیه دولت واقع در ارگ تهران را طبق ارزیابی که بعمل خواهد آمد بدون رعایت مقررات مربوط به مزایده ببانک ملی ایران فروخته و از وجوه حاصله هر مبلغی که لازم است با تشخیص و نظارت و مراقبت کامل وزارت دارایی به مصرف تعمیر کاخهای

سلطنتی گلستان، صاحبقرانیه، فرح آباد، میان پشته، صفی آباد و کلاردشت و غیره رسیده و چنانچه مازادی نداشته باشد طبق قوانین فوق الذکر بمصرف ساختمان و یا تعمیرات سایر ابنیه دولتی برسانند و پس از افتتاح دوره پانزدهم مجلس شورای ملی مجوز قانونی ترک مزایده را تحصیل نماید» (سند شماره ۱۸۷۰/۱۰۳۴)

ضمیمه شماره ۳

آرم شیر و خورشید

مجلس شورای ملی

ماده واحده- وزارت دارایی مجاز است قسمتی از زمین و بناهای شرقی و جنوبی محوطه باغ خالصه دولت متصرفی وزارت راه واقع در ارک تهران را به منظور تکمیل نقشه ساختمانی شعبه بانک ملی ایران به مبلغ دو میلیون و هفتصد و هفتاد و دو هزار و دو بیست و پنجاه و نه ریال و پنجاه دینار که ارزیابی و بهای آن تعیین شده است بدون رعایت تشریفات مزایده بانک ملی ایران فروخته و بهای آن را به حساب فروش خالصجات منظور دارد.

امضا (سازمان اسناد ملی ایران - سند شماره ۲۷۷۷/۲۳۰)

ضمیمه شماره ۴

آرم شیر و خورشید

وزارت دارایی

آقای نصرالله دیهیمی رییس دایره فروش خالصجات تهران

چون به موجب تصویب نامه شماره ۱۳۸۹۲/۱۰۰۶ - ۲۵/۴/۳۰ هیئت وزیران مقدار ۱۶۷۹/۳۳ متر مربع از زمین و بناهای شرقی و جنوبی محوطه خالصه دولت متصرفی وزارت راه واقع در ارگ تهران مقابل سبزه میدان در مبلغ دو میلیون و هفتصد و هفتاد و

دو هزار و دویست و پنجاه و نه ریال و پنجاه دینار ببانک ملی ایران فروخته و تحویل بانک مزبور شده و تمامی بها تحویل خزانه داری کل گردیده است لذا بموجب این حکم به شما ماموریت داده شد قباله قطعی انتقال آن را در یکی از محاضر رسمی تنظیم اسناد و دفاتر مربوطه را از طرف این وزارت امضا نمایید.

امضا وزیر دارایی (سازمان اسناد ملی ایران - سند شماره ۳۸۸۷/۴۴)

کتابنامه :

الف - کتاب ها

۱. اعتمادالسلطنه، محمد حسن. ۱۳۷۹، **روزنامه خاطرات**. به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
۲. اورسل، ارنست. ۱۳۸۲، **سفرنامه قفقاز و ایران**. ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی
۳. بشیر، حسین. ۱۳۸۹، **تعزیه**. تهران: دانشگاه امام صادق
۴. بنجامین، سیموئل. ۱۳۶۹، **سفرنامه بنجامین**. ترجمه محمد حسین کردبچه، تهران: جاویدان
۵. دولت آبادی، یحیی. ۱۳۷۱، **حیات یحیی**. جلد چهارم، تهران: عطار و فردوسی
۶. ذکا، یحیی. ۱۳۴۹، **تاریخچه ساختمان های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان**. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
۷. سرنا، کارلا. ۱۳۶۲، **آدم ها و آیین ها در ایران**. ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار
۸. فقیهی، علی اصغر، ۱۳۸۹، **تاریخ آل بویه**، تهران: سمت
۹. فووریه. ۱۳۲۶، **سه سال در دربار ایران**. ترجمه عباس اقبال، تهران: علمی
۱۰. گروته، هوگو. ۱۳۶۹، **سفرنامه گروته**. ترجمه مجید جلال وند، تهران: مرکز
۱۱. مستوفی، عبدالله. ۱۳۶۹، **شرح حال زندگانی من**. ۳ جلد، تهران: زوار

۱۲. معیرالممالک، دوستعلی. ۱۳۶۱، یادداشت هایی از زندگانی خصوصی

ناصرالدین شاه. تهران: نشر تاریخ ایران

۱۳. هدایت، مهدی قلی. ۱۳۶۳، **خاطرات و خطرات**. تهران: زوار

۱۴. همایونی، صادق. ۱۳۶۸، **تعزیه در ایران**. شیراز: نوید

ب- مقالات

انصاری، جابر. ۱۳۷۳، «**اسناد و مدارک ویژه شبیه خوانی در تکیه دولت**»،

گنجینه اسناد، س ۲، ش ۱۶، زمستان

ج- اسناد

سازمان اسناد ملی ایران - سند شماره ۲۳۰/۲۷۷۷

سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۶/۱۹۰۲

سازمان اسناد ملی ایران - سند شماره ۳۱۰/۱۰۵۹

سازمان اسناد ملی ایران - سند شماره ۳۴۰/۱۸۷۰۰

سازمان اسناد ملی ایران - سند شماره ۳۸۸۷/۴۴

د- روزنامه ها

ایران، نمره ۳۱۸، ۹ ربیع الثانی ۱۲۹۴ ه.ق

همشهری، شماره ۳۶۳۹، ۲۷ بهمن ۱۳۸۳